سیاست

گفت‌وگوی صریح «شرق» با وزیر کشور:

رابطه‌ام با روحانی و لاریجانی دو خط موازی است

مازیار خسروی، علی ذهابی

◄ درست است که شما سهمیه رییس مجلس در دولت بودید؟

نه. اصلا اینگونه نیست.

◄ اما شایع است شما به دلیل رابطه‌ای که با رییس‌مجلس دارید و به‌دلیل تعاملی که قرار بوده دولت اعتدال با مجلس اصولگرا داشته باشد، انتخاب شدید. به‌نوعی سهمیه آقای لاریجانی در دولت بوده‌اید.

این تصور در ذهن افراد سیاسی کاملا درست است. البته تصورش، چون من در جریانات سیاسی بعد از مجلس یعنی سال ۷۵ بیشترین همگرایی و قرابت و همکاری با آقای لاریجانی داشتم. حدود ۵سال در صداوسیما با ایشان کار کردم. دوسال در شورایعالی امنیت‌ملی قلمومشان ایشان بودم و پنج‌سال هم در دیوان محاسبات کار کردم که آقای لاریجانی رییس مجلس بودند. بنابر این نزدیکی و همکاری و قرابت من در ارائهٔ فکری یا ایشان چیز پنهانی نیست. اینکه در بیرون هم این تصور وجود داشته باشد، تصوری کاملا منطقی است. اما واقعیت اینگونه نیست. واقعیت این است که من با آقای دکتر روحانی از سال ۷۱ ارتباط داشتم اما با آقای لاریجانی از سال ۷۵ مرتبط شدم.

من و آقای روحانی از سال ۷۱ در مجلس و زمانی که ایشان نایب‌رییس مجلس بودند، همکار بودیم. زمانی هم که دبیر شورایعالی امنیت ملی بودند، من در آنجا همکاری‌هایی را در همان گروه عقلانی که تشکیل داده بود با ایشان داشتم. بعد که صداوسیما رفتم همکاری‌هایم با مدیر شورایعالی امنیت ملی از منظر معاون صداوسیما ادامه و این رفاقت‌ها ادامه پیدا کرد. بنابراین دوخط موازی با هم شروع شد. خط لاریجانی و خط روحانی. زمان انتخابات چون در دیوان محاسبات بودم، تلاش کردم مستقیم ورود نکنم. اما در عین حال از یک سال مانده به انتخابات به‌عنوان معاون مشورت‌ها را به آقای روحانی می‌دادم. البته این مشورت‌ها مشخصا نه برای انتخابات بلکه برای چیدمن‌های بعد بود که خودشان داشتند. در همان حال با آقای قالیباف هم رفاقت و دوستی داشتم که از زمان همکاری ما در مشهد در سپاه آغاز شد. در واقع اگر ایشان هم نظرات مشورتی از من می‌خواست، بر اساس همان رفاقت انجام می‌دادم.

◄ یعنی اگر آقای قالیباف هم رییس‌جمهور می‌شد، شما باز وزیر کشور قلمداد بودید؟

قطعا بودم.

◄ احتمالا وزیر یک وزارتخانه دیگر بودید...

ایمن را یا قاطعیت نمی‌توانم بگویم. چون من هر وزارتخانه‌ای را قبول نمی‌کردم. کشورم را به‌عنوان نماینده ایشان به رادیو و تلویزیون بودم و صحبت کنم همین را (آقای قالیباف هم) از من درخواست کرده بودند.

بهرحال ما در چنین بافت‌هایی ارتباط رفاقتی و دوستی و قرابت داشتیم. خود آقای روحانی هم با آقای قالیباف رابطه سیاسی چندانی ندارند. هردو پیشنهاد کردند و به من آنها گفتم من رییس دیوان محاسبات هستم و مطلقا وارد این موضوع نمی‌شوم. نتوانم گفت من در دولت روحانی بودم. کشورم را به دولت بیاورید. این فضاها شوم. دکتر روحانی قبل از اینکه رای بیاورند از من خواستند که به دولت کمک کنم. در همان زمان هم به ایشان عرض کردم من در دیوان محاسبات به شما کمک می‌کنم چون نقش دیوان محاسبات در دولت بالاتر از وزارتخانه‌هاست و الان هم به همین مضمون صحبت می‌کنم. این گذشت و رود نهم به من رنگ زدند که می‌خواهم با شما مشورت کنم و مشورت هم بیشتر از منظر دیوان محاسباتی بود؛ آمار و ارقام تحلیل‌ها، شرایط کشور، خزانه، بانک و... من رفتم خدمت ایشان و با هم مشورت‌هایی داشتیم.

من اطلاعاتی را به ایشان دادم. به من گفتند باید به دولت بیایید. من هم دعوه‌ایل که ایشان این موضوع را مطرح کردند، قضیه را جدی نگرفتم و گفتم من در دیوان هستم و به شما کمک می‌کنم و حتی اگر در وزارتخانه نیائم، وقتها به شما اعتقاد دارم. رابطه من با ایشان اعتقادی و رفاقتی است نه سیاسی و جناحی. انتقاد از سال ۸۴ که ایشان از شورای‌عالی‌امنیت ملی رفتند، مسوولیتی نداشتند ولی رابطه ما نسبت به قبل بیشتر شد.

ایشان به من پیشنهاد همکاری دادند. من هم عذرخواهی کردم و گفتم میل و توانم در این حوزه‌هایی که می‌فرمایید نیست ضمن اینکه وزارت کشور دیگری و همکاری و قرابت من در ارائهٔ فکری یا ایشان چیز پنهانی نیست. اینکه در بیرون هم این تصور وجود داشته باشد، تصوری کاملا منطقی است. اما واقعیت اینگونه نیست. واقعیت این است که من با آقای دکتر روحانی از سال ۷۱ ارتباط داشتم اما با آقای لاریجانی از سال ۷۵ مرتبط شدم.

◄ موضوع دیگری که در انتصابات شما دیده می‌شود این است که تحت فشار نیروهای خارج از دولت در برخی موارد امضایتان را پس گرفته‌اید. مثلا در سفر فرماندار را معرفی کردید. اما نهایتا با برخی مخالفت‌ها امضایتان را پس گرفتید و فرد دیگری را گذاشتید.

نه، به این مرحله نرسید.

◄ چرا رسید. فرماندار برای معارفه فرستاده بودید که اما جمعه در نمازجمعه صحبت کرد و حکم برگشت و فرد دیگری به جای او معرفی شد.

خب هیچ اشکالی ندارد. در مورد سنقر من حضور ذهن ندارم، اما در هر مرحله‌ای که نشانه‌ها موجب این شود که ما در عمل کارآمدی لازم را نداشته باشیم، حتما عوض می‌کنم.

◄ شما اشاره کردید که در انتخاب مدیران با نمایندگان مجلس و بخش‌های دیگر که اصولگرا هستند هماهنگ هستید. جریاناتی که مقابل تغییر مقاومت می‌کنند، موضوعی که مطرح است این است که شما شرایطی را در استان‌ها به وجود آوردید که جز موارد استثنا هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان ناراضی هستند.

ببینید من اصلا به‌دنبال رضایت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نیستم.

◄ به‌هرحال مردم به شما رای دادند. به تغییر رای دادند تا رویکردها تغییر کند. اگر نتیجه غیر این باشد پس چرا مردم رای دادند تا فقط رویکردها تغییر پیدا کرده و استانداران و فرمانداران ما را رویکرد جدید کار می‌کنند. اتفاقا تکنیک همین جاست که رویکرد ما اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست. مردم به اصلاح‌طلب رای ندادند یا به اصولگرا هم رای ندادند، مردم به گفتمان اعتدال رای دادند و این گفتمان اعتدال را در شخصیت آقای روحانی دیدند. آقای روحانی هم بر همین مبنا من را وزیر کشور انتخاب کرد و من یک چهره اصلاح‌طلب نیستم.

می‌خواهیم بگویم من اگر انتخابی انجام می‌دهم با معیار آقای روحانی و دولت انجام می‌دهم که امکان دارد از اصلاح‌طلبان یا نیستند یا اصولگرایان یا از نیروهای مستقل.

◄ پس شما می‌گویید که رویکردها را در استان تغییر داده‌اید؟

قطعا همین‌طور است.

◄ البته این تغییر رویکرد را در بخش‌هایی می‌توان تایید کرد. مثلا شجاعتی که شما در انتخاب فرمانداران زن داشتید. موضوع بر حاشیه دیگر معاون سیاسی شماست که نزدیک به سه ماه از رفتن آقای (کاظم مسوولی) می‌گذرد و این معاونت در این مدت خالی مانده است. دلیل این تعلل برای انتخاب معاون سیاسی چیست؟

معاونت سیاسی، معاونت بسیار مهمی است. آن روزی که این پست از طرف روحانی به من پیشنهاد شد بود و داشتم می‌رفتم که به لاریجانی بگویم وسط راه به میرولد زنگ زدم، در ماه مجلس چهارم یا هم بودیم و رفاقت داشتیم و گفتم از شما خواهشی دارم که بیایید و معاونت سیاسی را قبول کنید. ایشان هم ابراز محبت کردند و یک فرآیندی طی شد و معاون سیاسی شدند. بعد از مدتی ایشان تشخیص داد که ادامه کار در اینجا با توجه به فضای کاری مناسب نیست. ایشان در هماهنجیره بانک پاسارگاد بودند و دوباره به اجرا برگشتند.

◄ چه فضایی از نظر کاری مناسب نبود؟

ایشان سن‌دیگ اوجه من با کار سیاسی نمی‌خوانند، این عین جمله ایشان است.

◄ اما می‌دانم شده سخنرانی سیدحسن خمینی موجب لغو مراسم شد. البته برخورد قاطع شما قضیه را جمع کرد. موارد متعددی در این خصوص دیده می‌شود. آیا همیشه با فعالیت نیروهای خودسر قاطع برخورد خواهید کرد؟

کلاریه ما از فرماندار بود و با او برخورد کردیم. گفتم تو رییس شورای تامینی. اگر تشخیص دادی تجمع انجام اجرا یا بهم می‌زند باید نگذاری که سخنرانی شود. اما شما به‌عنوان رییس تامین شهرستان با شلوغ کاری ۱۰ نفر و هزارنفر روبه‌رو اجرا یا بهم نزنی شما نباید تامین امنیت کنی مگر به دیدی برسد که خود فرد در اجرا حساس کند که مشکل به وجود می‌آید.

ما وقتی بررسی کردیم واقعا در آن حد نبود. بعضی جمع مشکلی ایجاد نمی‌کرد. یک عده گفتند ما اجرا را بهم می‌زنیم ما هم می‌آییم و آنجا سخنرانی می‌گذاریم. آنها حق نداشتند سخنرانی بگذارند چون از ما نقاضای مجوز نکرده بودند. ما گفتیم شما می‌توانید فردا یا پس فردا با مسئول در یک جای دیگری سخنرانی بگذارید. منطق ما خیلی روشن بود. باید بعد از صدمال قلون‌گرایی و گذشتن از مسروطیت و فراولوردها و افنان و بلندشدن‌ها باز ما تجربه شود. تنش‌زایی و سطحی‌نگری و حاشیه‌سازی و جنجال‌سازی

◄ موضوع دیگری که در انتصابات شما دیده می‌شود این است که تحت فشار نیروهای خارج از دولت در برخی موارد امضایتان را پس گرفته‌اید. مثلا در سنقر فرماندار را معرفی کردید. اما نهایتا با برخی مخالفت‌ها امضایتان را پس گرفتید و فرد دیگری را گذاشتید.

نه، به این مرحله نرسید.

◄ چرا رسید. فرماندار برای معارفه فرستاده بودید که اما جمعه در نمازجمعه صحبت کرد و حکم برگشت و فرد دیگری به جای او معرفی شد.

خب هیچ اشکالی ندارد. در مورد سنقر من حضور ذهن ندارم، اما در هر مرحله‌ای که نشانه‌ها موجب این شود که ما در عمل کارآمدی لازم را نداشته باشیم، حتما عوض می‌کنم.

◄ شما اشاره کردید که در انتخاب مدیران با نمایندگان مجلس و بخش‌های دیگر که اصولگرا هستند هماهنگ هستید. جریاناتی که مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. موضوعی که مطرح است این است که شما شرایطی را در استان‌ها به وجود آوردید که جز موارد استثنا هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان ناراضی هستند.

ببینید من اصلا به‌دنبال رضایت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نیستم.

◄ به‌هرحال مردم به شما رای دادند. به تغییر رای دادند تا رویکردها تغییر کند. اگر نتیجه غیر این باشد پس چرا مردم رای دادند تا فقط رویکردها تغییر پیدا کرده و استانداران و فرمانداران ما با رویکرد جدید کار می‌کنند. اتفاقا تکنیک همین جاست که رویکرد ما اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست. مردم به اصلاح‌طلب رای ندادند یا به اصولگرا هم رای ندادند. مردم به گفتمان اعتدال رای دادند و این گفتمان اعتدال را در شخصیت آقای روحانی دیدند. آقای روحانی هم بر همین مبنا من را وزیر کشور انتخاب کرد و من یک چهره اصلاح‌طلب نیستم.

می‌خواهیم بگویم من اگر انتخابی انجام می‌دهم با معیار آقای روحانی و دولت انجام می‌دهم که امکان دارد از اصلاح‌طلبان باشند یا اصولگرایان یا از نیروهای مستقل.

◄ پس شما می‌گویید که رویکردها را در استان تغییر داده‌اید؟

قطعا همین‌طور است.

◄ البته این تغییر رویکرد را در بخش‌هایی می‌توان تایید کرد. مثلا شجاعتی که شما در انتخاب فرمانداران زن داشتید. موضوع بر حاشیه دیگر معاون سیاسی شماست که نزدیک به سه ماه از رفتن (آقای کاظم مسوولی) می‌گذرد و این معاونت در این مدت خالی مانده است. دلیل این تعلل برای انتخاب معاون سیاسی چیست؟

معاونت سیاسی، معاونت بسیار مهمی است. آن روزی که این پست از طرف روحانی به من پیشنهاد شد بود و داشتم می‌رفتم که به لاریجانی بگویم وسط راه به میرولد زنگ زدم، در ماه مجلس چهارم یا هم بودیم و رفاقت داشتیم و گفتم از شما خواهشی دارم که بیایید و معاونت سیاسی را قبول کنید. ایشان هم ابراز محبت کردند و یک فرآیندی طی شد و معاون سیاسی شدند. بعد از مدتی ایشان تشخیص داد که ادامه کار در اینجا با توجه به فضای کاری مناسب نیست. ایشان در هماهنجیره بانک پاسارگاد بودند و دوباره به اجرا برگشتند.

◄ چه فضایی از نظر کاری مناسب نبود؟

ایشان سن‌دیگ اوجه من با کار سیاسی نمی‌خوانند، این عین جمله ایشان است.

◄ اما شایع شده بود که اختلاف ایشان با شما بر سر انتصابات بوده است.

اصلا همه انتصابات را آقای میرولد انجام داده است و من امضا کردم چون به او اعتماد داشتم. البته در مسیر تعیین با من مشورت می‌کرد. اما یک مورد هم نبوده که ایشان پیشنهاد بدهد و هماهنگ کند و من مخالفت کنم. اگر این اتفاق می‌افتاد، برگردند من با آغوش باز می‌پذیرم. با حتی تلاش کردیم که نرود، من و آقای جهانگیری و چندنفر از اعضای دولت از ایشان صحبت کردیم.

◄ چرا این پست تا به حال خالی مانده؟

چون معاونت سیاسی واقعا از دقت و حساسیت زیادی برخوردار است. من

عکس: علیرضا امیر احمدی، شرق

در دوهفته پیش بازداشتی‌هایی صورت گرفته بود که من خبر نداشتم. رییس‌جمهور از من پرسید که گفتم اصلا خبر ندارم چون شب گذشته‌اش این کار انجام شده بود. من هم زنگ زدم و پرسیدم که معلوم شد از طرف یک نهاد امنیتی دیگری این بازداشت‌ها انجام شده است من به شورای امنیت ملی گلایه کردم و به همه اعضا گفتم که رییس‌جمهور چنین سوالی از من پرسیده و نمی‌دانستم و این خیلی بد است

دو سه مورد کلدیدا برای این پست دلشنام‌ای وی چون این معاونت حساس است حتما باید با رییس‌جمهوری صحبت کنم. بحث احترام، انتخاب، تقسیمات کشوری و ارتباط با نهادهای سیاسی در اینجا معطوف است من هر چیزی را مرفوع کردم که بررسی اولیه ما کمی طول کشید و هماهنگی‌هایی لازم را باید انجام می‌دادم. اینطور هم نمی‌شود که این سمت را به هرکسی پیشنهاد بدهم چون خیلی‌ها حقوق دارند.

ببینید در زمان میرولد ۷۰درصد فرمانداران عوض شدند. تقسیمات کشوری یکی از سختترین موارد است. سخت به این معنا که در اینجا اولی ایجاد شده که در خیلی از موارد قانون نادیده گرفته شده و این عادت شده است. حالا ما بخواهیم در مقابل این طرق عادت‌ها بایستیم باید خیلی تلاش کنیم. مثلا مواردی بوده که جایی شرایط بیش از حد طبیعی بوده و شهرستان‌شدن را نداشته ولی متاسفانه در یک سفر استانی، با پشت‌سر هم خاص، با بر فشارهای سیاسی این اتفاقات افتاده است. واقعا معاونت سیاسی کار سختی است و به هرکسی هم بگویم بال‌بال نمی‌زند که بیاید. ما در فرآیند مختلفی حساب کردیم که اخیرا به موارد رسیدیم که در این موارد خاص حتما خودم را موظف می‌دانم که با رییس‌جمهوری هماهنگی کنم که پیشنهادهای را دادیم با ایشان بررسی‌هایشان را انجام بدهند.

◄ انتخابات مجلس مهم‌ترین اتفاق دوره شما خواهد بود. شما باید

◄ این نگاه ممکن است این فرصت را از شما بگیرد که از نیروهای دیگر استفاده‌کنید.

ما این را قطعی نکردیم، گفتیم اولویت با داخل وزارت کشور است و الان ۲۰درصد فرمانداران از بیرون وزارت کشور انتخاب شده‌اند.

◄ اما شما بخشنامه‌ای صادر کردید. که بر اساس آن به‌کارگرفتن افراد خارج از وزارت کشور را ممنوع کردید؟

نه. ممنوع کردیم مگر اینکه به تایید خود وزیر برسد یعنی ما مورد استثنا را نگه داشتیم تا بتوانیم نو کنیم.

◄ و این استثنا شامل چه تعدادی شده است؟

حدود ۲۰ تا ۵۱درصد از نیروها خارج از وزارت کشور بوده‌اند.

◄ شما گفتید همه کشور به انتخابات مدیران با نمایندگان مجلس و بخش‌های دیگر که اصولگرا هستند هماهنگ هستید. جریاناتی که مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. موضوعی که مطرح است این است که شما شرایطی را در استان‌ها به وجود آوردید که جز موارد استثنا هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان ناراضی هستند.

◄ به‌هرحال مردم به شما رای دادند. به تغییر رای دادند تا رویکردها تغییر کند. اگر نتیجه غیر این باشد پس چرا مردم رای دادند تا فقط رویکردها تغییر پیدا کرده و استانداران و فرمانداران ما با رویکرد جدید کار می‌کنند. اتفاقا تکنیک همین جاست که رویکرد ما اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست. مردم به اصلاح‌طلب رای ندادند یا به اصولگرا هم رای ندادند. مردم به گفتمان اعتدال رای دادند و این گفتمان اعتدال را در شخصیت آقای روحانی دیدند. آقای روحانی هم بر همین مبنا من را وزیر کشور انتخاب کرد و من یک چهره اصلاح‌طلب نیستم.

◄ بحث این است که با این جریان‌ها نرم برخورد می‌شود. اگر آن طرفی‌ها هم بدون مجوز جمع شدند اینگونه با آنها برخورد می‌شود.

من اصولا روشم اینگونه نیست. من اتم نرمی هستم من رحمانی هستم.

◄ یعنی اگر اتفاقی هم هست اصلاح‌طلبان بیفتد اینگونه برخورد می‌کنید؟

هر گروهی که قبلا نگفته باشد و غیرقانونی باشد به آن تذکر می‌دهیم. برایشان پیغام می‌فرستیم و می‌گوییم که این کار را نباید انجام دهید. اگر در یک محدوده کوچک آمدند حتما در محدوده باقی بمانند کنترلشان خواهد کرد و این برخورد است. اما اگر منجر به تنش و درگیری شود ما وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم. اما نشست تعریف دارد. مثلا همایشی مثل دلواپسان که در محیط دانشگاهی است از محیط دانشگاه، وزارت کشور هیچ مسوولیتی ندارد مگر اینکه خود دانشگاه از ما بخواهد و بگوید ما این مساله را درون دانشگاه نمی‌توانیم کنترل کنیم و امنیت را می‌خواهیم به وزارت کشور واگذار کنیم. ما قبول می‌کنیم.

◄ اما در موارد دیگر مانند سخنرانی سیدحسن خمینی موجب لغو مراسم شد. البته برخورد قاطع شما قضیه را جمع کرد. موارد متعددی در این خصوص دیده می‌شود. آیا همیشه با فعالیت نیروهای خودسر قاطع برخورد خواهید کرد؟

کلاریه ما از فرماندار بود و با او برخورد کردیم. گفتم تو رییس شورای تامینی. اگر تشخیص دادی تجمع انجام اجرا یا بهم می‌زند باید نگذاری که سخنرانی شود. اما شما به‌عنوان رییس تامین شهرستان با شلوغ کاری ۱۰ نفر و هزارنفر روبه‌رو اجرا یا بهم نزنی شما نباید تامین امنیت کنی مگر اینکه به حدی برسد که خود فرد در اجرا حساس کند که مشکل به وجود می‌آید.

ما وقتی بررسی کردیم واقعا در آن حد نبود. بعضی جمع مشکلی ایجاد نمی‌کرد. یک عده گفتند ما اجرا را بهم می‌زنیم ما هم می‌آییم و آنجا سخنرانی می‌گذاریم. آنها حق نداشتند سخنرانی بگذارند چون از ما تقاضای مجوز نکرده بودند. ما گفتیم شما می‌توانید فردا یا پس فردا با مسئول در یک جای دیگری سخنرانی بگذارید. منطق ما خیلی روشن بود. باید بعد از صدسال قلون‌گرایی و گذشتن از مسروطیت و فراولوردها و افنان و بلندشدن‌ها باز ما تجربه شود. تنش‌زایی و سطحی‌نگری و حاشیه‌سازی و جنجال‌سازی

◄ موضوع دیگری که در انتصابات شما دیده می‌شود این است که تحت فشار نیروهای خارج از دولت در برخی موارد امضایتان را پس گرفته‌اید. مثلا در سنقر فرماندار را معرفی کردید. اما نهایتا با برخی مخالفت‌ها امضایتان را پس گرفتید و فرد دیگری را گذاشتید.

نه، به این مرحله نرسید.

◄ چرا رسید. فرماندار برای معارفه فرستاده بودید که اما جمعه در نمازجمعه صحبت کرد و حکم برگشت و فرد دیگری به جای او معرفی شد.

خب هیچ اشکالی ندارد. در مورد سنقر من حضور ذهن ندارم، اما در هر مرحله‌ای که نشانه‌ها موجب این شود که ما در عمل کارآمدی لازم را نداشته باشیم، حتما عوض می‌کنم.

◄ شما اشاره کردید که در انتخاب مدیران با نمایندگان مجلس و بخش‌های دیگر که اصولگرا هستند هماهنگ هستید. جریاناتی که مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. موضوعی که مطرح است این است که شما شرایطی را در استان‌ها به وجود آوردید که جز موارد استثنا هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان ناراضی هستند.

ببینید من اصلا به‌دنبال رضایت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نیستم.

◄ به‌هرحال مردم به شما رای دادند. به تغییر رای دادند تا رویکردها تغییر کند. اگر نتیجه غیر این باشد پس چرا مردم رای دادند تا فقط رویکردها تغییر پیدا کرده و استانداران و فرمانداران ما با رویکرد جدید کار می‌کنند. اتفاقا تکنیک همین جاست که رویکرد ما اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست. مردم به اصلاح‌طلب رای ندادند یا به اصولگرا هم رای ندادند. مردم به گفتمان اعتدال رای دادند و این گفتمان اعتدال را در شخصیت آقای روحانی دیدند. آقای روحانی هم بر همین مبنا من را وزیر کشور انتخاب کرد و من یک چهره اصلاح‌طلب نیستم.

می‌خواهیم بگویم من اگر انتخابی انجام می‌دهم با معیار آقای روحانی و دولت انجام می‌دهم که امکان دارد از اصلاح‌طلبان باشند یا اصولگرایان یا از نیروهای مستقل.

◄ پس شما می‌گویید که رویکردها را در استان تغییر داده‌اید؟

قطعا همین‌طور است.

◄ البته این تغییر رویکرد را در بخش‌هایی می‌توان تایید کرد. مثلا شجاعتی که شما در انتخاب فرمانداران زن داشتید. موضوع بر حاشیه دیگر معاون سیاسی شماست که نزدیک به سه ماه از رفتن (آقای کاظم مسوولی) می‌گذرد و این معاونت در این مدت خالی مانده است. دلیل این تعلل برای انتخاب معاون سیاسی چیست؟

معاونت سیاسی، معاونت بسیار مهمی است. آن روزی که این پست از طرف روحانی به من پیشنهاد شد بود و داشتم می‌رفتم که به لاریجانی بگویم وسط راه به میرولد زنگ زدم، در ماه مجلس چهارم یا هم بودیم و رفاقت داشتیم و گفتم از شما خواهشی دارم که بیایید و معاونت سیاسی را قبول کنید. ایشان هم ابراز محبت کردند و یک فرآیندی طی شد و معاون سیاسی شدند. بعد از مدتی ایشان تشخیص داد که ادامه کار در اینجا با توجه به فضای کاری مناسب نیست. ایشان در هماهنجیره بانک پاسارگاد بودند و دوباره به اجرا برگشتند.

◄ چه فضایی از نظر کاری مناسب نبود؟

ایشان سن‌دیگ اوجه من با کار سیاسی نمی‌خوانند، این عین جمله ایشان است.

◄ اما شایع شده بود که اختلاف ایشان با شما بر سر انتصابات بوده است.

اصلا همه انتصابات را آقای میرولد انجام داده است و من امضا کردم چون به او اعتماد داشتم. البته در مسیر تعیین با من مشورت می‌کرد. اما یک مورد هم نبوده که ایشان پیشنهاد بدهد و هماهنگ کند و من مخالفت کنم. اگر این اتفاق می‌افتاد، برگردند من با آغوش باز می‌پذیرم. با حتی تلاش کردیم که نرود، من و آقای جهانگیری و چندنفر از اعضای دولت از ایشان صحبت کردیم.

◄ چرا این پست تا به حال خالی مانده؟

چون معاونت سیاسی واقعا از دقت و حساسیت زیادی برخوردار است. من

معرفی کابینه به مجلس تمام‌اصولگرایی بود که برخی چهره‌های حاضر در آن از حامیان تندوتیز نامزدهای رقیب بودند. رییس‌جمهوری اعتدالگرا در انتخاب کابینه اما راه میانه را برگزید و بسیاری از چهره‌های اصولگرا را به‌عنوان همکار خود به دولت برد. برای وزارت کشور در ابتدا نام علی بونیسی که روزگاری وزیر اطلاعات سیدمحمد خاتمی بود و در روزهای منتهی به ۲۴خرداد همواره در کنار روحانی دیده می‌شد، به گوش می‌خورد. روز رای اعتماد اما فرد دیگری پشت تریبون مجلس قرار گرفت؛ «عبدالرضا رحمانی‌فضلی» رییس دیوان محاسبات کل کشور که سال‌ها در مجلس و صداوسیما با علی لاریجانی همکاری داشت. او با رای قاطع ۳۵۶موافق، ۶ممتنع و تنها ۹رای مخالف رامی‌خیال فاطمی شد. حالا یک‌سالی از آمدن وزیر کشور اصولگرای حسن روحانی به بزرگ‌ترین و البته مهم‌ترین وزارتخانه دولت می‌گذرد؛ یک‌سالی پرماجرا که دربواره آن با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم:

◄ موضوع دیگری که در انتصابات شما دیده می‌شود این است که تحت فشار نیروهای خارج از دولت در برخی موارد امضایتان را پس گرفته‌اید. مثلا در سنقر فرماندار را معرفی کردید. اما نهایتا با برخی مخالفت‌ها امضایتان را پس گرفتید و فرد دیگری را گذاشتید.

نه، به این مرحله نرسید.

◄ چرا رسید. فرماندار برای معارفه فرستاده بودید که اما جمعه در نمازجمعه صحبت کرد و حکم برگشت و فرد دیگری به جای او معرفی شد.

خب هیچ اشکالی ندارد. در مورد سنقر من حضور ذهن ندارم، اما در هر مرحله‌ای که نشانه‌ها موجب این شود که ما در عمل کارآمدی لازم را نداشته باشیم، حتما عوض می‌کنم.

◄ شما اشاره کردید که در انتخاب مدیران با نمایندگان مجلس و بخش‌های دیگر که اصولگرا هستند هماهنگ هستید. جریاناتی که مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. موضوعی که مطرح است این است که شما شرایطی را در استان‌ها به وجود آوردید که جز موارد استثنا هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان ناراضی هستند.

ببینید من اصلا به‌دنبال رضایت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نیستم.

◄ به‌هرحال مردم به شما رای دادند. به تغییر رای دادند تا رویکردها تغییر کند. اگر نتیجه غیر این باشد پس چرا مردم رای دادند تا فقط رویکردها تغییر پیدا کرده و استانداران و فرمانداران ما با رویکرد جدید کار می‌کنند. اتفاقا تکنیک همین جاست که رویکرد ما اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست. مردم به اصلاح‌طلب رای ندادند یا به اصولگرا هم رای ندادند. مردم به گفتمان اعتدال رای دادند و این گفتمان اعتدال را در شخصیت آقای روحانی دیدند. آقای روحانی هم بر همین مبنا من را وزیر کشور انتخاب کرد و من یک چهره اصلاح‌طلب نیستم.

می‌خواهیم بگویم من اگر انتخابی انجام می‌دهم با معیار آقای روحانی و دولت انجام می‌دهم که امکان دارد از اصلاح‌طلبان باشند یا اصولگرایان یا از نیروهای مستقل.

◄ پس شما می‌گویید که رویکردها را در استان تغییر داده‌اید؟

قطعا همین‌طور است.

◄ البته این تغییر رویکرد را در بخش‌هایی می‌توان تایید کرد. مثلا شجاعتی که شما در انتخاب فرمانداران زن داشتید. موضوع بر حاشیه دیگر معاون سیاسی شماست که نزدیک به سه ماه از رفتن (آقای کاظم مسوولی) می‌گذرد و این معاونت در این مدت خالی مانده است. دلیل این تعلل برای انتخاب معاون سیاسی چیست؟

معاونت سیاسی، معاونت بسیار مهمی است. آن روزی که این پست از طرف روحانی به من پیشنهاد شد بود و داشتم می‌رفتم که به لاریجانی بگویم وسط راه به میرولد زنگ زدم، در ماه مجلس چهارم یا هم بودیم و رفاقت داشتیم و گفتم از شما خواهشی دارم که بیایید و معاونت سیاسی را قبول کنید. ایشان هم ابراز محبت کردند و یک فرآیندی طی شد و معاون سیاسی شدند. بعد از مدتی ایشان تشخیص داد که ادامه کار در اینجا با توجه به فضای کاری مناسب نیست. ایشان در هماهنجیره بانک پاسارگاد بودند و دوباره به اجرا برگشتند.

◄ چه فضایی از نظر کاری مناسب نبود؟

ایشان سن‌دیگ اوجه من با کار سیاسی نمی‌خوانند، این عین جمله ایشان است.

◄ اما شایع شده بود که اختلاف ایشان با شما بر سر انتصابات بوده است.

اصلا همه انتصابات را آقای میرولد انجام داده است و من امضا کردم چون به او اعتماد داشتم. البته در مسیر تعیین با من مشورت می‌کرد. اما یک مورد هم نبوده که ایشان پیشنهاد بدهد و هماهنگ کند و من مخالفت کنم. اگر این اتفاق می‌افتاد، برگردند من با آغوش باز می‌پذیرم. با حتی تلاش کردیم که نرود، من و آقای جهانگیری و چندنفر از اعضای دولت از ایشان صحبت کردیم.

◄ چرا این پست تا به حال خالی مانده؟

چون معاونت سیاسی واقعا از دقت و حساسیت زیادی برخوردار است. من

◄ این نگاه ممکن است این فرصت را از شما بگیرد که از نیروهای دیگر استفاده‌کنید.

ما این را قطعی نکردیم، گفتیم اولویت با داخل وزارت کشور است و الان ۲۰درصد فرمانداران از بیرون وزارت کشور انتخاب شده‌اند.

◄ اما شما بخشنامه‌ای صادر کردید. که بر اساس آن به‌کارگرفتن افراد خارج از وزارت کشور را ممنوع کردید؟

نه. ممنوع کردیم مگر اینکه به تایید خود وزیر برسد یعنی ما مورد استثنا را نگه داشتیم تا بتوانیم نو کنیم.

◄ و این استثنا شامل چه تعدادی شده است؟

حدود ۲۰ تا ۵۱درصد از نیروها خارج از وزارت کشور بوده‌اند.

◄ شما گفتید همه کشور به انتخابات مدیران با نمایندگان مجلس و بخش‌های دیگر که اصولگرا هستند هماهنگ هستید. جریاناتی که مقابل تغییر مقاومت می‌کنند. موضوعی که مطرح است این است که شما شرایطی را در استان‌ها به وجود آوردید که جز موارد استثنا هم اصلاح‌طلبان و هم اصولگرایان ناراضی هستند.

ببینید من اصلا به‌دنبال رضایت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان نیستم.

◄ به‌هرحال مردم به شما رای دادند. به تغییر رای دادند تا رویکردها تغییر کند. اگر نتیجه غیر این باشد پس چرا مردم رای دادند تا فقط رویکردها تغییر پیدا کرده و استانداران و فرمانداران ما با رویکرد جدید کار می‌کنند. اتفاقا تکنیک همین جاست که رویکرد ما اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست. مردم به اصلاح‌طلب رای ندادند یا به اصولگرا هم رای ندادند. مردم به گفتمان اعتدال رای دادند و این گفتمان اعتدال را در شخصیت آقای روحانی دیدند. آقای روحانی هم بر همین مبنا من را وزیر کشور انتخاب کرد و من یک چهره اصلاح‌طلب نیستم.

می‌خواهیم بگویم من اگر انتخابی انجام می‌دهم با معیار آقای روحانی و دولت انجام می‌دهم که امکان دارد از اصلاح‌طلبان باشند یا اصولگرایان یا از نیروهای مستقل.

◄ پس شما می‌گویید که رویکردها را در استان تغییر داده‌اید؟

قطعا همین‌طور است.

◄ البته این تغییر رویکرد را در بخش‌هایی می‌توان تایید کرد. مثلا شجاعتی که شما در انتخاب فرمانداران زن داشتید. موضوع بر حاشیه دیگر معاون سیاسی شماست که نزدیک به سه ماه از رفتن (آقای کاظم مسوولی) می‌گذرد و این معاونت در این مدت خالی مانده است. دلیل این تعلل برای انتخاب معاون سیاسی چیست؟

معاونت سیاسی، معاونت بسیار مهمی است. آن روزی که این پست از طرف روحانی به من پیشنهاد شد بود و داشتم می‌رفتم که به لاریجانی بگویم وسط راه به میرولد زنگ زدم، در ماه مجلس چهارم یا هم بودیم و رفاقت داشتیم و گفتم از شما خواهشی دارم که بیایید و معاونت سیاسی را قبول کنید. ایشان هم ابراز محبت کردند و یک فرآیندی طی شد و معاون سیاسی شدند. بعد از مدتی ایشان تشخیص داد که ادامه کار در اینجا با توجه به فضای کاری مناسب نیست. ایشان در هماهنجیره بانک پاسارگاد بودند و دوباره به اجرا برگشتند.

◄ چه فضایی از نظر کاری مناسب نبود؟

ایشان سن‌دیگ اوجه من با کار سیاسی نمی‌خوانند، این عین جمله ایشان است.

◄ اما شایع شده بود که اختلاف ایشان با شما بر سر انتصابات بوده است.

اصلا همه انتصابات را آقای میرولد انجام داده است و من امضا کردم چون به او اعتماد داشتم. البته در مسیر تعیین با من مشورت می‌کرد. اما یک مورد هم نبوده که ایشان پیشنهاد بدهد و هماهنگ کند و من مخالفت کنم. اگر این اتفاق می‌افتاد، برگردند من با آغوش باز می‌پذیرم. با حتی تلاش کردیم که نرود، من و آقای جهانگیری و چندنفر از اعضای دولت از ایشان صحبت کردیم.

◄ چرا این پست تا به حال خالی مانده؟

چون معاونت سیاسی واق